

تجلیات زبان و فرهنگ ایران و هندو پاکستان

(۴)

سید حیدر شهریار نقوی
سرپرست بخش پاکستان‌شناسی و زبان اردو
«دانشگاه اصفهان»

وضع کنونی فارسی در شبه قاره

فارسی که از اوایل قرن یازدهم میلادی در لاهور و ملتان (پاکستان) و سپس در هندوستان ارج و مقام والائی کسب نموده و بعنوان زبان رسمی در بارهای سلاطین مسلمان در شبه قاره برگزیده شده بود پس از هشت قرن گسترش و اعتلاء و عروج رو به اضمحلال رفت و موقعیت دیرینه‌اش بدست کشورگشایان جدید فرنگ تضعیف گردید و در اواسط قرن نوزدهم میلادی در کلیه دفاتر دولتی هندوستان جای خود را به زبان انگلیسی داد اما تحولات سیاسی آن زمان بنا بر آنکه عموم مردم و بویژه مسلمانان هند و پاکستان نمی‌توانستند ارتباط قلبی خویش را با زبان رومی و جامی و سعدی و حافظ قطع نمایند و به دل‌بستگی‌شان به میراث ادبی و فرهنگی نیاگان خویش که غالباً بفارسی بود پایان دهند لطمه شدیدی به آن زبان وارد ساخت. فارسی حتی در قبال برخی از اقدامات معاندانه حکمرانان باختری به حیات خود ادامه داد و در تمام محافل علمی و ادبی مسلمانان احترام بسزائی برای خود حفظ نمود.

در زمان تسلط انگلستان در هند و پاکستان، فارسی در تمام مدارس ملی تدریس می‌شد و تمام امهات کتب آن انتشار می‌یافت و مورد علاقه مردم قرار می‌گرفت. عده‌ای از دانشمندان انگلیسی هم، نظر به محبوبیت فارسی در بین مردم و جهت تألیف قلوب آنان در صدد چاپ تعدادی از کتب ارزنده آن از قبیل بعضی از تذکره‌ها و تاریخها و فرهنگها برآمدند و از این راه خدمتی به فارسی انجام دادند. گردانندگان انجمن آسیائی بنگال و بمبئی را میتوان در این مورد بعنوان مثال معرفی نمود. بعضی از چاپخانه‌های کلکته، بمبئی، لکهنئو، دهلی، آگرا و غیره تعداد زیادی از کتب فارسی را چاپ کردند و در انتشار آثار ارجمند فارسی حتی قبل از آنکه در خود ایران کتب فارسی بطبع برسد پیش قدم شدند.

عده‌ای از فاضلان و مؤسسات علمی و تحقیقی هند و پاکستان با استفاده از سبک‌های جدید پژوهش اروپائی و بخصوص انگلیسی‌ها تعدادی از کتب تحقیقی ارزنده پیرامون ادبیات فارسی تهیه نمودند امثال شعرالجم نگارش شبلی نعمانی، حیات سعدی نوشته الطاف حسین حالی، چهار مقاله بر فردوسی مؤلفه پروفیسور حافظ محمود شیرانی، سخندان فارسی بخامه مولانا محمد حسین آزاد، سهم هندوان در ادبیات فارسی بقلم دکتر عبدالله، ادبیات فارسی در دربار تیموریان هند نوشته پروفیسور غنی (بانگلیسی) سلسله کلیات خسرو (تهیه شده از طرف مؤسسه تحقیقاتی

علیگره) تألیفات و مقالات پروفیسور محمد شفیع و شیرانی و امثال آنها .

چاپ کتب فارسی - کتابها و مقالات ذبقیمت پیرامون زبان و ادبیات فارسی هنوز هم در هر دو کشور هند و پاکستان بخصوص در کشور آخر الذکر بزبانهای اردو، فارسی و انگلیسی تهیه و چاپ می شود. تشکیل پاکستان که بمنظور تحفظ سنن و فرهنگ اسلامی و ایرانی صورت گرفت از حیث احیای فارسی در آن مملکت اهمیت بسزائی دارد و آثار متعدد پرارزشی در مدت کوتاه حیات آن کشور در زمینه فارسی و فرهنگ ایران در زبانهای اردو و انگلیسی نگارش یافته و در شهرهای کراچی و حیدرآباد و لاهور و پیشاور بچاپ رسیده است.

تدریس فارسی - تدریس فارسی در تمام دانشگاههای پاکستان و تعدادی از دانشگاههای هند تا درجه دکترا در حال حاضر دائر است و تعداد بزرگی از دانش آموزان و محصلان و دانشجویان در هر دو کشور بویژه پاکستان در مؤسسات آموزشی و مدارس ملی و دینی و دبیرستانهای دولتی در هر سال به تحصیل آن زبان اشتغال میورزند. تمام دانشگاهها و مراکز علمی و آموزشی دارای کتب خانه های بزرگی هستند و در آنها تعداد قابل توجهی از نسخ خطی و چاپی از آثار فارسی نگهداری می شود.

کتابخانه ها - از حیث ذخایر آثار فارسی کتابخانه های شبه قاره اهمیت فراوانی در جهان دارند و بخصوص کتابخانه های خدا بخش بانکی پور، آصفیه حیدرآباد دکن، دانشگاه لاهور، رضا رام پور (یو. پی) حمیدیه بهوپال (وسط هند) دانشگاه علیگره، امپیریا کلکتہ، بوهار کلکتہ، دانشگاه بمبئی، کاما انستی تیوت بمبئی، انجمن ترقی اردو کراچی، دانشکده اسلامیہ پیشاور، موزه لیاقت علیخان کراچی، موزه سالار جنگ حیدرآباد دکن، اعظم گره، مهاراجا جیپور، مقدار بسیار بزرگی از کتب ارزنده فارسی را دارا می باشند.

تعدادی از مجلات فارسی هنوز هم در هند و پاکستان انتشار می یابد. هلال در اسلام آباد، صدای پاکستان در کراچی، اندو ایرانیکا در کلکتہ را میتوان بعنوان نمونه معرفی نمود.

فارسی زبان تکلمی مردم در پاکستان - در صفحات غربی پاکستان که شامل نواحی مرزنشینان و بلوچستان آنکشور است مانند چترال و سوات و گرم ایجنسی و پاراچنار و شهرستانهای پیشاور، کوهات، لندی کوتل، نوشهره، یئون، مردان، هزارا، دیرا اسمعیل، چمن، کویتا، لورالائی، قلات، نوشکی، مستونگ، پشین، مکران، خضدار، گلگت و غیره فارسی امروزه زبان عمومی و تکلمی مردم است و لاقلاً چندین صد هزار نفر در آن نواحی بهمان زبان صحبت می کنند. برخی از اسامی صفحات مزبور که اغلب با واژه های فارسی تشکیل می یابند نمودار تأثیر ریشه دار و عمیق آن زبان در آن سرزمین می باشد. بطور نمونه بعضی از اینها عبارتند از: سهراب خان - پردل خان - بخت زمین - بخت جان - جمعه گل - شاهر و - زور زمین - دلبر خان - واحد زمان - محمد زرین - جهان زیب - گلدار خان - دلدار خان - بخت روان - زرچین - فرید گل - زرین گل - خیالی خان و غیره.

فارسی گویان معاصر - در حال حاضر با اینکه فارسی نه زبان رسمی هند یا پاکستان است و نه مردم در آنجا به آن تکلم می کنند و هر قدریکه بالفرض آن در بین مسلمانان محبوبیتی داشته باشد باز هم در شریعت سیاسی آن دو کشور حکم زبان خارجی را دارد ولی باین همه تعداد قابل ملاحظه ای از شعرای اردو دولسانین بودند و برای اظهار فضل هم شده به فارسی نیز اشعاری می سروده اند. همین روش هنوز هم ادامه دارد و سنت گفتن اشعار بفارسی را مردم امروزه زنده نگهداشته اند. در حال حاضر چندین صد نفر در پاکستان و هند بفارسی شعر می نویسند.

شعرای اردو به اردو و فارسی و گویندگان پشتو به پشتو و فارسی و همچنین سرایندگان سندی، پنجابی، کشمیری، بلوچی و غیره علاوه بر آنکه بزبان مادری شان می سرایند بفارسی نیز اشعاری می گویند و چه بسا که همه بر اشعار فارسی خود بیشتر مباحث می ورزند. عده ای از این دسته از شعراء علیرغم کساد بازاری ادبیات در قرن بیستم دست به چاپ مجموعه اشعار فارسی

خویش می‌زنند و مراتب علاقه خود را به آن زبان بدین ترتیب ابراز می‌دارند. دهها مجموعه شعری از آثار فارسی‌گویان معاصر در ۲۵ سال اخیر در پاکستان انتشار یافته است. علامه محمد اقبال لاهوری متوفی سال ۱۹۳۸ م. سرسبد فارسی‌گویان هندوستان در قرن بیستم بشمار می‌رود. او که معروفیتش در شعر در سطح جهانی می‌باشد فارسی را برای اظهار اندیشه‌های تابناک سیاسی و اخلاقی و فیلسوفانه خود برگزیده است. اقبال ۳ دیوان به اردو و پنج دیوان به فارسی دارد و کلام فارسی‌اش بزبانهای خارجی از جمله انگلیسی، عربی و غیره ترجمه شده است.

شامل مکاتبات مردم - در تعدادی از خانواده‌هایی در سند و ایالت مرزنشینان مکاتبات عمومی مردم هنوز هم بفارسی صورت می‌گیرد و در نامه‌های اردو نیز که در بین افراد خانواده‌های اصالت دوست رد و بدل می‌شود اغلب در آغاز و اختتام آن کلمات و ترکیبات فارسی بچشم می‌خورد و این موضوع هم می‌تواند گواه ریشه‌دار بودن نفوذ فارسی در اردو باشد. بطور نمونه بعضی از عنوان‌ها و پایان‌نامه‌ها در زیر مینویسیم:

عنوان نامه از پدر به فرزند: برخوردار سعادت اطوار نور چشم راحت جان سلمه، نور نظر سخت جگر طول عمره.

عنوان نامه از برادر به برادر: برادر عزیزم، برادر بجان برابر، برادر عالیقدر و گرامی

عنوان نامه از فرزند به پدر: پدر بزرگوارم، بابا جان

عنوان نامه از فرزند به مادر: مادر گرامی، امی جان، مادر مهربان و گرامی

عنوان نامه از دوست به دوست: دوست عزیز، رفیق من، دوست گرامی

عنوان نامه از زن به شوهر: سرتاج من سلامت.

پایان‌نامه‌ها از بزرگان به کوچکان: دعاگو، خیر طلب، خیر اندیش، خیر سگال، بهی‌خواه و غیره.

پایان‌نامه از کوچکان به بزرگان: ناچیز، پابوس، دست‌بوس، فرمانبردار، خاک پا، خاکسار و غیره.

پایان‌نامه به دوستان و آشنایان: خیر اندیش، خیر خواه، ارادتمند، نیازمند، نیازکش، مخلص، نیاز آگین، اخلاص کیش و غیره.

اسامی مردم - اسامی تمام مسلمانان شبه قاره با کلمات عربی و فارسی ترکیب می‌یابد. اسامی زیر از معمول‌ترین نامهای افراد آن ملت است. در مورد نامهای مردها بکلمات الله، محمد، مصطفی، احمد، دین، علی، مرتضی، حیدر، امام، حسن، مجتبی، حسین، عباس، نبی و امثال آنها که جنبه مذهبی دارند واژه‌های زیر فارسی اضافه میشود:

آفتاب، آغا، آرزو، اختر بخش، (تند الله بخش، خدا بخش و غیره) بختاور، تاجور، زردار جمشید، خورشید، دارا شکره، سردار، سرور، سکندر، شهریار، شاه، شهنشاه، فرهاد، فیروز، گلاب، گوهر، گلزار، میرزا، مهر، نسیم، یزدانی و غیره.

همچنین در اسامی زنان به کلمات فاطمه، خدیجه، زینب، بتول، زهرا و غیره الفاظ زیر را اضافه میکنند و یا تمام اسم آنان مانند اسامی عده‌ای از مردان با کلمات فارسی تشکیل می‌شود. مثالها:

اختری، بیگم، بانو، پری، زهره، زرینه، خاتون، زبیده، دیبا، زیبا، جان، جهان‌آرا، رخساره، سوسن، سنبل، سروری، شگفته، شایسته، شهربانو، شهناز، شیرین، فریده، فیروزه، فهمیده، گلرخ، مهناز، مهرا لقا، نسرین، نورجهان، یاسمن و غیره.

فارسی در حریم مقدس دین - فارسی از راه اردو که در بین هندوان بنام هندی معروف است دیوارهای دژ تقدس مذهبی سانسکریت و سایر زبانهای قدیم هندوستان را شکافته و بحریم دل‌های هندوان راه یافته است بطوریکه عده‌ای از آنان در هند و پاکستان برخلاف هم‌کیشان خود

که اسامی آنها صرفاً با کلمات سانسکریت تشکیل می‌شود برای اسامی خویش واژه‌های نظیر زیر فارسی‌را برگزیده‌اند و این پیروزی بسیار شگفت‌انگیزی برای فارسی‌ بشمار میرود :

آزاد ، اقبال ، بختاور ، تیغ (تیغ بهادر) ، جواهر (جواهر لال) ، خوشحال (خوشحال واس) ، روشن (روشن لال) ، سردار ، ستارا ، شیوا (شیواجی) ، شمشیر (شمشیر جنگ) ، عشرت (عشرت لال) ، گلزاری (گلزاری لال) ، گلاب (گلاب سنگ) ، مهتاب (مهتاب چند یا مهتاب ناراین) و غیره .

برخی از واژه‌های فارسی مانند خدا ، پروردگار ، پیغمبر ، پیمبر ، نماز ، روزه ، نیاز ، درود ، جانماز ، پیش امام ، سجده‌گاه ، سیپاره ، پنجستن پاک ، فرشته ، بهشت ، دوزخ ، روز محشر ، بخشش ، گناه و غیره حتی در خلوت گاه معتقدات و ایمان مردم رخنه کرده و بر کلمات مساوی عربی و قرآن مانند رب ، نبی ، رسول ، صوم و صلوات ، جنت ، سقر ، ملک ، عذاب ، عفو و غیره چیره شده است .

باین ترتیب در موارد زیاد ، تقدس زبان فارسی با تقدیس عربی که زبان رسمی اسلام و وسیله الهام رسول خدا بوده هم‌تراز بنظر میرسد و گاهی افزونی می‌گیرد و بهمین دلیل آن در مسیر زندگانی مسلمانان نقش بسزائی را ایفا می‌نماید .

تاریخ گوئی که بیشتر در مواقع روز تولد و یا وفات و سایر وقایع مهم زندگانی افراد در اجتماع اسلامی مورد علاقه شعراء قرار می‌گیرد اغلب در فارسی صورت می‌گیرد و از این راه هم نفوذ آن زبان در قلوب توده مردم به‌هنگام برگزاری اعیاد و عبادات و اجتماعات مذهبی مشاهده می‌شود .

کتابها و اعلام ایرانی

در هر گوشه و کنار و نواحی و دیار درهند و پاکستان جائیکه اثری از آثار تاریخی و ابنیه باستانی مربوط به دوره حکومت اسلامی باشد روی سردرهای آنها فارسی و عربی بچشم می‌خورد . کتابهای فارسی در شبه قاره بقدری زیاد است که بعد از ایران در هیچکدام از کشورهای جهان نظیر آن‌را نمیتوان پیدا کرد .

روی دیواری در کاخ ریاست جمهوری هند در دهلی نو اشعار فارسی از نظامی نوشته شده است و بالای آنها تصویری از آن گوینده نامدار ایرانی را هم منقوش ساخته‌اند . کتابت نویسی بفارسی از قرن ششم در هندوستان شروع شده و کتابت مشهوریکه در مسجد قوه الاسلام دهلی وجود دارد از اولین کتابت‌های فارسی در آن مملکت بشمار میرود . به امر کرشناراج مهاراجه میسور (جنوب هند) متوفی ۱۹۴۰ م بر صخره کوهی بنام چامندی نزدیک شهر بنگلور بعضی از رباعیات عمر خیام سنگ نوشته شد .

اسامی تعدادی از مشاهیر تاریخی و علمی و ادبی ایران و شهرهای معروف آن چون جمشید ، دارا ، انوشیروان ، فردوسی ، خیام ، غزالی ، سعدی ، حافظ ، نادر ، ایران ، شیراز ، اصفهان ، شمیران و امثال آنها روی سردرهای مغازه‌ها ، رستورانها ، هتلها و خیابانهای شهرهای بزرگ مانند کراچی ، بمبئی ، حیدرآباد دکن ، لکهنؤ ، دهلی ، راولپندی ، اسلام‌آباد ، ملتان ، کویتا و غیره دیده می‌شود . در دانشکده بزرگ پزشکی که در شهر ملتان بنام نشتر میدیکل کالج بنا گردیده دو تالار بنام محمد زکریای رازی و بوعلی سینا اسم گذاری شده است .

گویندگان فارسی اولیاء الله‌اند . سخنوران فارسی بویژه شعرای متصوف مانند مولانا جلال‌الدین رومی ، سنائی غزنوی ، فریدالدین عطار ، شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی ، خواجه شمس‌الدین حافظ شیرازی ، خواجه عبدالله انصاری ، مولانا نورالدین جامی ، امیر خسرو و امثال آنها در پاکستان و جهان اردو قیافه مظهر الوهیت را بخود گرفته و در ردیف اولیاء الله و خاصان خدا می‌باشند و مردم از فرط عقیدتی که به آنها دارند اسامی آنها را بدون علیه‌الرحمه

یا رحمة الله علیه بر زبان نمی‌آورند. اشعار آنان را مردم با کمال عقیدت و احترام می‌شنوند و در محافل موسیقی که «قوالی» نام دارد و در آن خوانندگان معروف و حرفه‌ای همراه سازهای متعددی بطور دستجمعی کلام متصوفانه را می‌خوانند اشعار سرایندگان نامبرده در قلوب شنوندگان اثر فوق‌العاده‌ای می‌کند و احساسات دینی آنان را زیاد تحت تأثیر قرار میدهد. اغلب دیده شده است قوالان با خواندن اشعار فارسی بیشتر پول‌باران می‌شوند و شنوندگان نیز از شنیدن کلام فارسی بیشتر از حال درمی‌روند، در صورتیکه خود اشعار اردو چنین تأثیری را در روحیه آنها باقی نمی‌گذارد. در واقع این موضوع بسیار جالب است و در ضمن مبین نفوذ زایدالوصف فارسی در مسلمانان هند و پاکستان می‌باشد.

پیروی از شاعران ایران: در ظرف مدت هزار ساله حکومت فارسی زبانان در هند و پاکستان هزاران نفر در آنجاها بفارسی شعر سرودند و آثاری از خود بیادگار گذاشتند. جمعی از بین آنها مانند ابوالفرج رونی، مسعود سعد سلمان، بدر چاچ، امیر خسرو، حسن دهلوی، ابوالفیض فیضی، عبدالقادر بیدل، غنی کشمیری، ناصر علی سرهندی، اسدالله خان غالب، غلام قادر گرامی، محمد اقبال لاهوری و امثال آنها در طراز سخنوران پایه یک فارسی قرار گرفتند و الحاق آثار شعری آنان از هر حیث مایه سربلندی ادبیات زبان مربوط و شایسته توجه خاص فارسی زبانان می‌باشد.

گروهی از فارسی‌سرایان شبه قاره نظر به اکتساب فیض از بزرگواران شاعران بلند مقام ایران چون فردوسی، نظامی، انوری، مولانا رومی، سعدی، حافظ، خیام و غیره در اتباع از آنها کوشیدند و اشعاری بسبک آنها نوشتند ولی عده قابل توجهی از فارسی‌گویان آن سرزمین جهت نشان دادن علو مقام شعر خود در جواب کلام سخنوران بنام ایران اشعاری گفتند. بطور مثال امیر خسرو در جواب خمسه نظامی خمسه‌ای گفت و بگواهی صاحب نظران از جمله مولانا عبدالرحمن جامی کسی بهتر از خسرو در جواب نظامی خمسه‌ای ننوشت. فیضی هم خمسه‌ای در جواب خمسه نظامی گفت علاوه بر این دو نفر اشخاص دیگر هم از نظامی گنجوی پیروی نمودند و در صدد خمسه‌سرائی برآمدند. عده‌ای از آنها عبارتند از: شیخ یعقوب متخلص به صرفی کشمیری متوفی بسال ۱۰۰۳ هـ - محسن فانی کشمیری - بهاء الدین متوفی ۱۸۷۰ م - ملا عبدالحکیم عطائتوی متوفی ۱۰۸۵ هـ - حکیم سید آتشی شاعر زمان محمد جانشین ابراهیم عادل شاه ثانی - حکیم محمد کاظم - عاقل خان رازی - میر فرزند علی فرخ - آصف خان میرزا قوام الدین جعفر متخلص به جعفری از امرای دربار جهانگیر - ملامحمد اشرف بلبل در گذشته سال ۱۷۵۵ م میرزا اسمعیل بینش متوفی قرن یازدهم هجری - حامد بن فضل الله ملا جمالی دهلوی متوفی ۹۴۲ هـ - سراج الدین علیخان آرزو - هاشمی کرمانی المعروف به شاه جهانگیر متوفی بسال ۹۴۶ هـ - میر معصوم بهکری متخلص به نامی بسته بدربار اکبر شاه - سید شاه عبداللطیف ذوقی متوفی بسال ۱۱۹۴ هـ - میر اسمعیل خان اجدی مدرسی متوفی ۱۲۰۳ هـ.

اینها بودند اسامی عده‌ای که در شعر از نظامی گنجوی پیروی نمودند و در جواب خمسه‌اش خمسه‌هایی گفتند. فردوسی و سعدی و مولانا روم و حافظ و خیام و امثال آنها نیز پیروان زیادی پیدا کردند و مردم در هند و پاکستان با تابع از سبک شاهنامه یا گلستان و بوستان و مثنوی مولانا روم و غیره اشعاری سرودند و در نتیجه از طرف عده‌ای سخنور در هند و پاکستان که در پیروی از شاعران مزبور نهایت کوشش را مبذول داشتند کتب بسیار ارزنده بفارسی نگارش یافت. اگر آثاری که بفارسی فقط در پیروی از شاعران نامبرده ایران در شبه قاره بوجود آمده گردآوری شود مجموعه بسیار جالبی از دهها کتاب بزرگ و پرازشی را تشکیل خواهد داد. در سطور زیر اسامی برخی از مثنویهای رزمیه که در تقلید از شاهکار فردوسی به همان بحر در هند و پاکستان سروده شده نوشته میشود:

شاهنامه کشمیر حاوی ۶۰ هزار بیت شعر که بوسیله عبدالوهاب شایق متوفی ۱۱۸۲ هـ نوشته شد - بهمن‌نامه از آذر طوسی اسفراینی ملک‌الشعرای دربار احمد شاه بهمنی - اکبرنامه نوشته ملا حمیدالله متخلص به‌حمید کشمیری متوفی ۱۸۴۸ م - خاورنامه نگاشته شمس‌الدین محمد (نسخه خطی در کتابخانه بوهار کلکته) افتتاح سلطانی از علوی (نسخه خطی در کتابخانه بوهار کلکته) حمله حیدری از محمد رفیع‌خان باذل متوفی ۱۲۲۳ هـ - حمله حسینی شامل ده هزار بیت شعر از محمد محسن - آصف‌نامه سروده شاعری بنام موزون (نسخه خطی در کتابخانه بوهار، کلکته) اقبال نامه سروده شده در سال ۱۲۱۵ هـ بوسیله شاعری نامعلوم . (نسخه خطی در کتابخانه بوهار کلکته) رستم‌نامه شاهنامه نادرشاه نوشته میرزا محمد علی ملقب به فردوسی ثانی خراسانی طوسی . (ذکر شده در مقالات الشعرا طبع شده از طرف سندی ادبی بورو کراچی صفحه ۴۹۴) مهاراج‌نامه از خواجه سناءالله خراباتی - انورنامه سروده شده بوسیله میرزا اسمعیل خان ایجیدی مدرسی متوفی ۱۲۰۳ هـ که ملک‌الشعرای دربار نواب محمد علی حاکم کرناٹک بود. خاورنامه (باردو) سروده رستمی بیجاپوری در سال ۱۰۵۹ هـ مشتمل بر ۲۴ هزار بیت شعر - علی‌نامه (باردو) سروده نصرتی - تاریخ اسکندری (باردو) سروده نصرتی - فتح‌نامه نظام شاه (باردو) سروده حسن شوقی - نوسرهار نوشته اشرف (باردو) - قصه حسینی (باردو) سروده خواص - روضه‌الشهدا سروده ولی ویلوری - جنگ‌نامه (باردو) از سیرک - ظفرنامه (باردو) از غلام علی خان لطیف .

پیشوایان و عارفان فارسیگو : در هند و پاکستان دونفر پیشوا بنام‌های گرونانگ و غلام احمد قادیانی بفارسی شعر گفتند .

گرونانگ تولد یافته ۱۴۶۹ م پیشوای فرقه سیک‌هاست و غلام احمد قادیانی متوفی ۱۹۰۸ م پیشوای فرقه قادیانی‌ها میباشد و مجموعه شعری او بعنوان «درثمین» چندین بار همراه ترجمه‌اش باردو انتشار یافته است .

تعدادی از عارفان و متصوفان شبه قاره که بیشترشان ایرانی بوده و اولیاءالله نامیده می‌شوند مانند خواجه معین‌الدین چشتی اجمیری ، سرمد دهلوی ، قطب‌الدین بختیار کاکمی ، شرف‌الدین بوعلی قلندر پانی‌پتی ، سید محمد گیسو دراز و امثال آنها بفارسی شعر گفتند و آثاری در زمینه اخلاق و عرفان از خود بیادگار گذاشته‌اند . مجموعه‌های شعری آنها بارها در هند و پاکستان چاپ شده و از نظر دل‌بستگی فراوان که عموم مردم بکلام آنها دارند حالاهم تجدید چاپ می‌شود .

پادشاهان و درباریان فارسی‌سرا : سلاطین و درباریان هند و پاکستان از ابتدای تأسیس حکومت مسلمانان در آن سرزمین علاقه و آفری به‌گسترش فارسی نشان دادند . آنها از شاعران و نویسندگان سرپرستی نمودند و باتمام قوا در ترقی و اعتلای ادبیات آن زبان کوشیدند . دل‌بستگی آنان بفارسی در برخی از مواقع نسبت به‌تعلق خاطر پادشاهان ایران بدان زبان فزونی داشت چنانکه پادشاهان ببری ، هنگامیکه پادشاهان صفوی در کاخ‌شان به‌ترکی حرف می‌زدند ، در قصر خود بفارسی صحبت می‌کردند .

عده قابل توجهی از پادشاهان و درباریان شبه قاره علاوه بر آنکه مربی و مشوق سرسخت گویندگان فارسی بشمار می‌رفتند خودشان نیز بآن زبان شعر می‌سرودند . کثرت مشاغل کشورداری و سلطنتی به پادشاهان فرصت سخن‌سرای نمی‌داد ولی ذوق شعری آنان در مواقع مخصوصی بروز می‌کرد و آنان به‌مناسبتی شعر می‌گفتند . چنین اشعار در بعضی از تذکره‌ها و کتب تاریخ ثبت گردیده است . امرا و درباریان آنها که اغلب شیفتگان علم و دانش بودند و جزو ادیبان و فرزندانگامور زمان محسوب می‌شدند در پشتیبانی و تشویق از عالمان و ادیبان بایکدیگر سبقت می‌جستند و خودشان نیز اهل قلم بنام و نویسنده و گوینده عالی‌مقام بودند و عده‌ای از آنها آثار

پرازشی از خود بیادگار گذاشته‌اند. اسامی چنین پادشاهان و درباریان را در زیر مرقوم میداریم. **پادشاهان فارسگو**: سلطان جلال فیروز شاه خلجی، محمد تغلق شاه متوفی ۷۵۲ هـ، فیروز شاه بهمنی که از خواجه حافظ شیرازی برای مسافرت به دکن دعوت کرد، یوسف عادل شاه متخلص به یوسف سرسلسله پادشاهان عادل شاهی متوفی ۹۱۶ هـ. اسماعیل عادل شاه دکنی فرزند یوسف عادل شاه متوفی ۹۴۱ هـ متخلص به وفائی، ظهیرالدین بابر متوفی ۹۳۷ هـ، نصیرالدین همایون متوفی ۹۶۳ هـ، حسین نظام شاه دکنی متخلص به سپهری سرسلسله سلاطین نظام شاهی احمد نگر متوفی ۹۷۲ هـ، جلال‌الدین اکبر متوفی ۱۰۱۴ هـ، محمد قلی قطب شاه پادشاه گولکنده، سلطان زین‌العابدین پادشاه کشمیر متوفی ۱۴۷۰ م سلاطین شرقیه جونپور، سلطان محمد قطب شاه متخلص به ظل‌الله، نورالدین جهانگیر متوفی ۱۰۳۷ هـ، میر قمرالدین متخلص به آصف و شاکر پادشاه حیدرآباد دکن دو دیوان از او بچاپ رسیده است. نواب میر احمد خان ناصر جنگ شهید متخلص به ناصر، میر عثمان علی خان نظام نواب حیدرآباد دکن، نواب کلب علی خان متخلص به نواب حکمران رام پور دیوانش بعنوان تاج فرخی در سال ۱۲۹۴ هـ در رام پور بطبع رسیده است و امثال آنها.

امرای فارسگو: بیرم خانخانان وزیر سپاه اکبر شاه، دیوانش در سال ۱۹۷۱ م در کراچی بچاپ رسید. عبدالرحیم خانخانان پسر بیرم خان، خان زمان متخلص به سلطان از امرای بزرگ اکبر شاه بود. خان اعظم کوکلتاش برادر رضاعی اکبر شاه، ظفرخان احسن ازاعیان دوره حکومت شاهجهان بود درگاه قلی خان سالار جنگ متخلص به درگاه از امرای دولت آصفجاهی بود. غازی‌الدین خان عمادالملک از امرای عالی‌مقام دکن بود و صاحب دیوان می‌باشد. او در سال ۱۱۸۹ هـ وفات یافته است. مهاراجا چندولال متخلص به شادان متوفی ۱۲۶۱ هـ سرکشین پرشاد نوه چندولال متخلص به شاد و امثال آنها.

اختلاف در بین فارسی ایران و هند و پاکستان

فارسی در ایران و هند و پاکستان اصولاً یکی ولی از حیث ظواهر و امور فرعی فرقه‌های قابل توجهی در فارسی کشورهای نامبرده وجود دارد و گاهی چنین فرقه‌ها بقدری اهمیت پیدا می‌کند که اهالی يك کشور فارسی اهالی کشور دیگری را درست نمی‌فهمند و از درك مطالبی که بوسیله آنها گفته یا نوشته می‌شود عاجز می‌مانند. اختلاف عمده فارسی ایران و شبه قاره را میتوان به نکات زیر بیان کرد:

۱. اختلاف در املا: املا و تلفظ کلمات فارسی در شبه قاره مطابق املا و تلفظ قدیمی آنهاست که در سابق بوسیله مهاجران ماورالنهری با آنجا برده شده است. بطور نمونه آنجا اسپرا اسپ، خردرا خورد، دکان را دوکان، شکفته را شگفته، ازدحام را ازدهام، جوراب را جراب، صابون را صابن، شکوفه را شگوفه، تبرا تب، مصون را مصئون، طاووس را طاوس می‌نویسند و امثال اینها.

۲. اختلاف در لهجه: بطور مثال فارسی دانان شبه قاره، های مختفی را در آخر کلمات مانند الف می‌خوانند، چهار حرف پ، ت، چ و ک را خیلی نرم تلفظ می‌کنند، در تعدادی از کلمات حرف نون را بدون نقطه می‌نویسند و آن را ازدهام تلفظ می‌کنند. او مجهول و پای مجهول در کلمات فارسی در شبه قاره زیاد بکار برده می‌شود. از نظر اعراب گذاری هم در بین فارسی ایران و فارسی هند و پاکستان فرقه‌های چشمگیری وجود دارد.

۳. استعمال کلمات مفرد هندی: در آثار فارسی شبه قاره تعداد قابل توجهی از کلمات هندی الاصل بکار برده شده است در آثار ابوطالب کلیم کاشانی (متوفی ۱۶۵۱ میلادی) ملک الشعراى دربار شاهجهان و ملاطفرای مشهدی متوفی ۱۰۷۸ هـ نگارنده معروف فارسی مصنوع و مرصع، ظفر احسن مرئی صائب تبریزی، یحیی کاشانی کتابدار شاهجهان، فانی کشمیری معاصر شاهجهان

وعده دیگر از گویندگان و نویسندگان فارسی صدها واژه هندی الاصل مانند بانس (نی هندی) بنیا (بقال) پتانی (زن پتان) برشکال (فصل باران) برسات (فصل باران) لیسنت (فصل بهار هندوستان) پان (برگ تنبول) پیسه (یکنوع سکه مسی درهند وپاکستان) جامن (نوعی آلوی سیاه هندی) حجر وکه (پنجره) رام رنگی (مشروب) سارنگی (یکنوع سازی است) سپاری (فوفل) کنول (نیلوفر) درشن (دیدار، زیارت) چنبیلی (گل رازقی) هاتهی (فیل) وغیره بکار برده شده است.

۴ - موضوعات محلی در آثار فارسی شبه قاره: موضوعات محلی مانند زفانه بازار، باغ جهان آرا، کشمیر، پنگهت (محل اجتماع دختران و زنان دبه درکنار چشمه یا رودخانه‌ای برای گرفتن آب درکوزه‌ها) جشن‌های هندوان (نظیر هولی، دیوالی وغیره) و امثال اینها مورد توجه ادیبان فارسی قرار گرفته و منظومه‌هایی در وصف آنها نوشته شده است.

۵ - استعمال ضرب‌المثلهای هندی بصورت ترجمه آنها بفارسی. عده‌ای از نویسندگان و گویندگان فارسی در شبه قاره ضرب‌المثلهای هندی را بفارسی ترجمه کرده و آنها را در آثار خویش بکار برده‌اند. در کلام فارسی امیر خسرو دهلوی از این قبیل ضرب‌المثلهای زیاد دیده می‌شود. بطور مثال او می‌گوید:

جان می‌رود زمن چو گره می‌زند به زلف مردن مراست از گره او چه می‌رود
از گره کسی چیزی رفتن ترجمه ضرب‌المثلی از زبان اردو - هندی است و این با «از کیسه او چه می‌رود» مترادف می‌باشد.

۶ - فارسی در ایران بعنوان زبان زنده‌ای دائماً دچار تحولاتی بوده و در پیشرفت خود اثراتی از زبانهای مترقی دیگر جهان را پذیرفته است ولی همان زبان در شبه قاره بعلل گوناگون بحالت رکود مانده و مشخصات آن از زمان سده‌ی و حافظ و بخصوص دوره حکومت صفویان در آن حفظ شده است. بدین علل است که اختلاف آشکاری در معنای تعداد زیادی از کلمات فارسی و عربی که در آثار فارسی آنجا بکار رفته نسبت به معنای آنها در فارسی ایران مشاهده می‌گردد. این موضوع باعث می‌شود نگارشات فارسی بخامه افراد ایرانی و غیر ایرانی بویژه هندی یا پاکستانی برای یکدیگر نامأنوس جلوه کند و گاهی ناقابل درک بماند. بمنظور روشن‌تر ساختن مطلب فوق تعدادی از کلمات فارسی را که در هند و پاکستان با اختلاف معنا بکار برده می‌شود در زیر می‌نویسیم:

امیر (بمعنای ثروتمند پولدار و متمول)، انتقال (بمعنای مرگ و درگذشت)، بیخود (بمعنای بی‌هوش و از حال دررفته)، تکلیف (بمعنای ادیت و ناراحتی)، تنخواه (بمعنای حقوق و مواجب)، جایجا (بمعنای هر جا)، دستخط (بمعنای امضا)، دریا (بمعنای رودخانه)، دولت (بمعنای پول و ثروت)، رایگان (بمعنای بی‌نتیجه)، ژاله (بمعنای تگرگ و مه)، شادی (بمعنای عروسی)، شیروانی (بمعنای کت دراز سرداری مانندی که لباس رسمی کنونی هند و پاکستان است)، طوایف (بمعنای رقاصه و روسپی)، قیام (بمعنای اقامت)، کرور (بمعنای ده میلیون)، گلدسته (بمعنای دسته گل)، مفکر (بمعنای متفکر)، نگران (بمعنای پاسبان)، همسر (بمعنای هم‌پایه) وغیره.

در اینجا لازم است اسامی زبده‌ترین شعرا و نویسندگان و عارفان و کتب تاریخ و لغت نامه‌ها هائیکه در هند و پاکستان بفارسی نوشته شده است نگاشته شود.

عده‌ای از فارسی‌گویان هند و پاکستان

ری (۴۳۸ - ۵۱۵ هـ) مدح‌سرای سلاطین غزنویه بود. مدت‌ها

درزندان بسر برد و حبسیات وی بسیار قابل توجه است. او به قصیده گوئی روح تازه‌ای بخشید. ابوالفرج رونی هم عصر اوست. دیوان سلمان بسال ۱۳۳۹ بکوشش رشید یاسمی در تهران بچاپ رسیده است.

امیر خسرو (۶۵۱ - ۷۲۵ هـ) به فارسی و عربی و اردو شعر نوشت. صاحب آثار متعددی بفارسی میباشد - در فن موسیقی نیز ید طولائی داشت. یکی از نوایغ علمی و ادبی هندوستان بشمار میرود جواب خمسه نظامی را نیز گفته است.

حسن دهلوی نجم‌الدین (سنجری) (۶۵۳ - ۷۳۸ هـ) سعدی هندوستان لقب دارد. فوائدالغواهدم از اوست. دیوانش باهتام مسعود علی محوی بسال ۱۳۵۲ هـ در حیدرآباد دکن انتشار یافته است.

فیضی ابوالفیض (۹۵۴ - ۱۰۰۴ هـ) ملك الشعراى دربار جلال‌الدین اکبر شاه بود. در اغلب اصناف سخن شعر گفته. مثنوی نل دمن او ترجمه منظوم از داستانی بهسانسکریت است. سواطع‌الالهام او که در ۷۸۰ صفحه در سال ۱۳۰۶ هـ بوسیله نولکشور چاپ شد تفسیری از قرآن است و تماماً بعبارات بی نقطه‌ی عربی نوشته شده است.

مواردالحکم نیز بهمان نوع عبارت نگاشته شده است. در جواب خمسه نظامی خمسه‌ای نوشته فیضی مهماندار عرفی شیرازی بود دیوانش چندین بار در هندوستان چاپ شده است.

غنی مولانا محمدطاهر کشمیری متوفی ۱۰۷۹ هـ با ابوطالب کلیم و محمدعلی صائب تبریزی و ناصرعلی سرهندی هم عصر بود. آزادانه زیست و اشعار اخلاقی زیاد گفت. دیوانش بارها در هندوستان چاپ شده است.

بیدل میرزا عبدالقادر بیدل (۱۰۵۴ - ۱۱۳۳ هـ) یکی از زبده‌ترین فارسی‌گویان بسبک هندی بود. در خارج از ایران علاقمندان و پیروان زیادی دارد و دیوانش در هندو پاکستان و افغانستان چاپ شده است.

ناصرعلی سرهندی (۱۰۴۸ - ۱۱۰۸ هـ) شعرش بیشتر رنگ متصوفانه دارد. از گروندگان صائب تبریزی بشمار میرود. دیوانش بوسیله مطبعه نولکشور لکهنو چاپ شده است.

اسدالله خان غالب نجم‌الدوله دبیرالملک میرزا اسدالله خان متخلص به غالب (۱۲۱۲ - ۱۲۸۵ هـ) آخرین ملك الشعراى دربار تیموریان هندوستان بود. معروفترین شاعر اردو و یکی از برجسته‌ترین سخنوران فارسی‌گوی شبه قاره بشمار میرود. آثاری به نثر فارسی هم دارد کلیات فارسی‌اش چندین بار در هند و پاکستان چاپ شده است. دهها کتاب ارزنده به اردو و انگلیسی و فارسی پیرامون شخصیت و آثار غالب در شبه قاره نگارش یافته و تجلیل فراوانی از آثارش بعمل آمده است.

گرامی غلام قادر متخلص به گرامی (۱۸۵۷ - ۱۹۲۷ م) شاعر خاص دربار حیدرآباد دکن بود. او در بین کلیه شاعران فارسی‌گوی هندوستان و پاکستان در زمان سلطه انگلستان در شبه قاره مقام بسیار ارجمندی دارد. دیوان و مجموعه رباعیات گرامی در لاهور بچاپ رسیده است.

اقبال دکتر محمد اقبال لاهوری (۱۸۷۳ - ۱۹۳۸ م) فیلسوف عالم اسلام و شاعر ملی مسلمانان هند و پاکستان است. شعر فارسی را وسیله ابراز احساسات وطنی، ملی و اسلامی خویش ساخت و توسط آن در راه بیداری مسلمانان جهان و کسب استقلال پاکستانیان خدمات بسیار شایانی انجام داد. آثار خیلی ارزشمندی بزبان انگلیسی هم از خود بجای گذاشت. مجموعه‌های شعری اقبال دهها مرتبه در هندوستان و پاکستان بچاپ رسیده و کلیاتش در تهران نیز انتشار یافته است. آثار منظوم و منشور اقبال بزبانهای مختلف جهان ترجمه شده و مورد ستایش و علاقه فراوان صاحب‌نظران واقع شده است.

بعضی از عرفان و متصوفین هند و پاکستان

- ۱- ابوالحسن علی هجویری (۴۰۰- ۴۶۵ هـ) معروف به داتا گنج بخش در زمان حکومت غزنویان از ایران به لاهور رفت. صاحب دیوان شعری فارسی و تعدادی از آثاری از جمله کشف المحجوب است که چندین بار در هند و پاکستان چاپ شده است. آرامگاهش در لاهور کعبه دلها و زیارتگاه عرفاست.
- ۲- خواجه معین الدین چشتی متوفی بسال ۶۳۲ هـ نامدارترین عارف در شبه قاره به شمار میرود اول در لاهور بود سپس بشهر اجمیر (هند) رفت و در همانجا به ارشاد مردم پرداخت او در بین متصوفین هندوستان شامخ ترین مقامی را داراست و بانی سلسله چشتیه میباشد. خواجه چشتی مورد علاقه وافر سلاطین هندوستان بویژه تیموریان بوده. بعلت وی شهر اجمیر مقدس ترین شهر هندوستان برای مسلمانان محسوب میگردد. دیوان شعری از او باقیست و انیس الارواح و دلیل عارفین شامل ملفوظات اوست.
- ۳- خواجه قطب الدین بختیار کاکلی. تولدش در ماوراءالنهر و درگذشت او در دهلی در سال ۶۳۴ هـ صورت گرفت. آرامگاهش در دهلی بنا شده است. علاوه بر دیوان شعری که چاپ شده ملفوظات وی زیر عنوان فوائد السالکین نیز بطبع رسیده است. او از مریدان خواجه معین الدین چشتی بود.
- ۴- قاضی حمید الدین ناگوری معاصر شهاب الدین سهروردی و سلطان شمس الدین پادشاه دهلی بود. او بسال ۶۴۱ هـ در دهلی درگذشت. مولانا عبدالحق محدث دهلوی در اخبار الاخیار مینویسد قاضی حمید الدین را کتاب بسیار است. دو کتاب طوابع الشمس و راحت الارواح منسوب به اوست.
- ۵- شیخ بهاء الدین زکریا (۵۶۵- ۶۵۶ هـ) از سلسله سهروردیه و معاصر عارف بنام جلال الدین تبریزی بود. مجمع ملفوظات او بنام کنوز الفوائد است و آرامگاهش که مرجع خلائق میباشد در ملتان بنا شده است.
- ۶- خواجه فرید الدین گنج شکر از مریدان بختیار کاکلی بوده و بعمر ۹۳ سال در ۶۸۷ هـ درگذشت. دو کتاب بناهای راحت القلوب و سیر الاولیاء به او منسوب است.
- ۷- خواجه نظام الدین اولیاء (معروف به محبوب الهی) بسال ۶۳۴ هـ تولد و در سال ۷۲۵ هـ وفات یافت از عرفای نامدار چشتیه و مرشد امیر خسرو بود آرامگاهش در دهلی سجده گاه اهل عرفان و مرجع مسلمانان جهان است. فوائد القواد و افضل القواد و راحت المحبین شامل ملفوظات اوست.
- ۸- شیخ بوعلی قلندر - شرف الدین بوعلی قلندر (۶۰۵- ۷۲۴ هـ) معاصر جلال الدین خلجی پادشاه دهلی و خواجه نظام الدین اولیاء بود. آرامگاهش در شهر پانی پت مورد احترام همگان است. مثنوی کنز الاسرار از اوست.
- ۹- خواجه نصیر الدین محمود معروف به شاه چراغ دهلی معاصر محمد تغلق پادشاه معروف هندوستان بود. وی در سال ۷۵۷ هـ در دهلی درگذشت. خیر المجالس و مفتاح العاشقین شامل ملفوظات اوست.
- ۱۰- سید محمد گیسو دراز بسال ۷۲۱ هـ در دهلی متولد شد و بسال ۸۲۵ هـ در گلبرگه (دکن) درگذشت. در زمان سلطان فیروز بهمنی میزیست. علاوه بر دیوان شعری اش کتابی بنام جوامع الکلام که شامل ملفوظات اوست چاپ شده است.